

گفت‌وگویی «شهروند» با پدر داغ‌دیده‌ای که پسر ۱۰ ساله‌اش قربانی کفتربازی شد

ماجرای تجاوز و جنایت در نخلستان تنگه یک

شهروند روستای تنگه یک آبادان شاهد جنایت هولناکی بود. داستان از دو کیوتر شروع شد که با تجاوز و مرگ کودک ده ساله پایان گرفت. محمد قربانی این جنایت وحشتناک فرزند دوم از سه فرزند خانواده مطوری است. اکبر قاتل چهارده ساله این جنایت دلخراش پس از تجاوز به محمد، او را خفه کرد و در نهر آبی خشک شده انداخت. محمد، پسر ده ساله تنگه‌ای، رویایش داشتن گفت بود. همین رویا کابوس خانواده مطوری شد. او آخر پاییز ۹۹ عقربه‌ها از یازده صبح عبور کرده بودند که محمد هوایی شد. هوای خرید کیوتران روز در سرش لانه کرده بود. با همین افکار خانه را ترک کرد و دیگر بازنگشت. اکبر همبازی و از اقوام دور محمد بود که عامل این جنایت دهشتناک شد. حالا خانواده اکبر از خانواده محمد رضایت می‌خواهند. هنوز از این قتل مبهم بر کسی مشخص نشده است. نخلستانی که اکبر و محمد در آن حضور داشتند، ساکت مانده و راز آن روز را خاک کرده است.

صادق مطوری، پدر محمد، جزئیات این حادثه را پس از یک سال با زخمی می‌کند. «راضی نبودم کیوتر بخرد. همان روز هم مادرش با من تماس گرفت و گفت به خانه بیا و جلوی محمد را بگیر، می‌خواهد کیوتر بخرد. به زخم گفتم به محمد چیزی نگو. خودم وقتی به خانه برگشتم کیوتر را به صاحبش برمی‌گردانم؛ اما گوش محمد بدکار نبود. از خانه خارج شد. به خانه که برگشتم، ساعت حدوداً ۷ عصر بود که ناگهان متوجه شدم، کل روستا که همگی حدود سیصد، چهارصد نفر بودند، دنبال محمد می‌گردند. متحیر بودم که دیدم، زخم با نگرانی جلو آمد و شیون‌کنان خبر گم شدن محمد را داد.» صادق نگهبان ساختمان‌های پیمانکاریست.

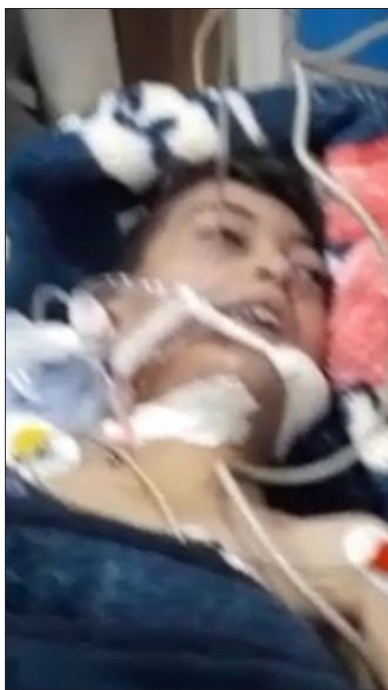
جزئیات روز حادثه در سرش رژه می‌رود: «محمد گم شده بود و وقتی خانه را به قصد کیوتر ترک کرد دیگر برنگشت. بعد از چندین ساعت جسد نیمه جان پسر که در کنار نهری خشک روی زمین افتاده بود را پیدا کردیم. سریع او را به بیمارستان شهریور رساندم ولی جانی در بدنش



نبود که به جسمش برگردد. زیر سرم و دستگاه‌های تنفسی بیمارستان جان داد.»

از کیوتر تا تجاوز

پدر محمد با صدایی گرفته از اعترافات قاتل می‌گوید: «وقتی مأموران آگاهی به اکبر مظنون شدند او را گرفتند و اکبر هم اعتراف کرد.» اکبر در اعترافاتش گفت: «در خانه کیوتر زیاد دارم. وقتی مقتول به منزل مان آمد و از من دو کیوتر خواست به او فرو ختم. بعد از دو ساعت دوباره برگشت و عنوان کرد کیوترها پرواز کردند و به سمت خانه ما آمدند. من هم به او گفتم کیوترها به سمت خانه ما نیامدند؛ اما محمد جلوی در خانه دو ساعتی را نشست. بعد از دو ساعت از من خواست به سمت نخلستان برویم و با او ارتباط برقرار کنم. بعد از ارتباط به من گفت به پدرم بگو به من تجاوز کردی. من هم عصبانی شدم. محمد را با دستانم خفه و از نخلستان فرار کردم.» صادق در واکنش یادآوری اعترافات اکبر صدایش لرزان شد: «پرواز کیوتران کجا و درخواست تجاوز پسر، محمد کجا؟!». پدر مقتول وضعیت اکبر، قاتل پسرش، را تشریح می‌کند: «اکبر بعد



از دستگیری به کانون اصلاح تربیت در اهواز انتقال یافت.»

اتفاق شوم

خشونت در صدای صادق مانع از تشریحی آرام می‌شود: «اعضای خانواده اکبر از خودش گرفته تا برادرانش معتاد هستند. نسبت فامیلی با ما دارند. من تک‌تک آنها را خوب می‌شناسم. تمام بچه‌های روستا از صبح تا شب در خیابان در حال بازی هستند؛ اما همیشه نگران بچه‌هایمان هستیم. آنها را در خیابان تنها رها نمی‌کردیم. همسرم وقتی دید، محمد قصد دارد برای خرید کیوتر به بیرون از خانه برود، حتی به من هم زنگ زد، تا اجازه ندهم؛ اما نمی‌دانستم چه اتفاق شومی در انتظار خانواده ما نشسته است.» صادق از طایفه مطوری می‌گوید: «از دو طایفه بودیم با وصلت میان دو طایفه در چندین سال پیش یک طایفه را تشکیل دادیم؛ آن هم مطوری. خانواده اکبر از اقوام دور ما هستند. حالا آنها می‌خواهند از ما رضایت بگیرند. بارها با بزرگان طایفه و شیخ ما گفت‌وگو کردند تا از خون فرزندانم بگذریم.»

پول گرفتن وکیل ندارم

بغض میان صدای پدر داغ‌دیده پدیدار



می‌شود: «بعد از آن ماجرا، شیخ قبیله به طرفداری از خانواده قاتل درآمد. تحمل ننگ تجاوز یک طرف و ناعدالتی در میان طایفه، دردی دیگر بر دردمان است. چندین بار و به طور مداوم برای رضایت شیخ طایفه واسطه شد تا من رضایت بدهم و از خون پسرم بگذرم. دلم رضا نیست رضایت بدهم. چرا باید این کار بکنم؟»

تلخی آن روز در ذهنش سایه انداخته است: «همین یک پسر را داشتیم. دو فرزند دیگرم دختر هستند؛ یکی دوازده ساله و دیگری هشت ساله. به تازگی هم زخم بردار شده. حدود پنج ماه است. نمی‌دانم دختر است یا پسر. جای محمد در زندگی مان خالی است؛ طوری که با ده پسر دیگر هم جبران نمی‌شود. اکبر به پسر تجاوز کرد. اعترافاتش را هم طوری مطرح کرد که محمد مقصر است. بعد هم او را کشته است. قاتل در تمام اظهاراتش بیان کرد محمد از من خواست تا تجاوز کنم. کدام پسر ده ساله‌ای از پسری دیگر درخواست تجاوز می‌کند؟! پول هم ندارم تا وکیل بگیرم، شاید اگر وکیل داشتیم می‌توانستیم از خون پایمال شده محمد دفاع کنیم. خانواده قاتل رضایت هم می‌خواهند.»

زورگیران مسافران میدان آزادی دستگیر شدند

مجرمان برای این سرقت‌های سریالی یک خودرو تیار را در دیدند

باند سارقان زورگیر جوان در پایتخت منهدم شد. این سارقان تحت عنوان مسافرخش از مسافران در محدوده غرب تهران با چاقو و ایچاد رعب و وحشت سرقت می‌کردند. آنها پس از دستگیری به بیش از ۱۰ سرقت با همین شیوه اعتراف کردند.

ساعت ۱۷ دوم آبان سال گذشته مرد جوانی طی تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از وقوع سرقت زورگیری به وسیله سه نفر جوان با یک خودروی تیبیا ۲ در محدوده میدان آزادی اعلام شکایت کرد. بلافاصله پرونده با موضوع سرقت تشکیل شد. در ادامه با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی قرار گرفت. شاکی پس از حضور در پایگاه به کارآگاهان گفت: «به عنوان مسافر در میدان آزادی سواریک خودروی تیبیا شدم. این خودرو ۲ سرنشین و راننده داشت. پس از طی مسافتی یکی از سرنشینان خودرو با تهدید چاقو اقدام به سرقت گوشی تلفن همراه، پول نقد و کارت اعتباری بانک من کرد. پس از حدود نیم ساعت در مکانی خلوت مرا از ماشین به بیرون پرتاب و از محل متواری شدند.»

کارآگاهان به دنبال اظهارات مالباخته راهی محل سرقت شدند. با انجام تحقیقات میدانی و بررسی فیلم دوربین‌های مدار بسته و پایش تصاویر آنها مشخص شد که پلاک خودروی تیبیا سابقه سرقت دارد. در شاخه دیگر از تحقیقات کارآگاهان، پرونده‌های مشابه سرقت با همان خودروی تیبیا نیز به پایگاه واصل شد. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد که سرقت به وسیله همان سارقان انجام می‌شود. بنابراین فرضیه سریالی بودن سرقت‌ها قوت گرفت.

با توجه به پرونده‌های مشابه که با همین شیوه و شگرد در محدوده غرب تهران به وقوع پیوسته بود فرضیه اینکه سارقان در شهرستان‌های غربی استان تهران ساکن باشند، مطرح شد. با اطلاعات به دست آمده و جمع‌بندی سرخ‌های موجود کارآگاهان تیم مبارزه با سرقت‌های خاص پایگاه پنجم پلیس آگاهی ضمن بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و علمی کشف جرم موفق شدند هویت یکی از سارقان به نام سروش بیست‌وشش ساله دارای بیش از پنج سابقه کیفری را به دست آورند.

با انعکاس اطلاعات به دست آمده به بازپرس پرونده دستور دستگیری سروش و سایر همدستان او صادر شد. کارآگاهان با بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم مخفیگاه سروش را در شهرستان اسلامشهر شناسایی کردند. آنها هفدهم خرداد طی چند ساعت عملیات هماهنگ و پلیسی سرکرده باند و سایر همدستانش به نام‌های ایرج سی‌وشش ساله و رسول بیست‌و پنج ساله را در محل دستگیر کردند.

در تحقیقات صورت گرفته متهمان ابتدا منکر هرگونه سرقتی بودند. در نهایت با توجه به مدارک به دست آمده و همچنین مواجهه حضوری با شکات لب به اعتراف گشودند. آنها ضمن اعتراف به ۱۰ سرقت سروش را به عنوان سرکرده و تشکیل دهنده باند معرفی کردند. سروش در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: «حدود ۸ ماه پیش با دیگر همدستانم که بچه یک محل هستیم برای امرار معاش و کسب درآمد اقدام به تشکیل باند سرقت کردیم. ما با سرقت یک تیبیا در محدوده غرب تهران سرقت به شیوه زورگیری را انجام دادیم. اموال مسروقه را بین خودمان تقسیم و صرف خوشگذرانی می‌کردیم.» در ادامه تحقیقات مشخص شد همه اعضای این باند سوابق کیفری در زمینه سرقت به عطف دارند.

سرقت ۷۰ میلیاردی

از خانه‌های جنوب تهران

چهار عضو باند سارقان منزل پس از دستگیری به ۹ سرقت منزل در جنوب تهران اعتراف کردند. کارشناسان ارزش اموال مسروقه را ۷۰ میلیارد ریال برآورد کردند. در پی وقوع چند سرقت مشابه منازل در جنوب شرق تهران، شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان در دستور کار تیمی از کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. در تحقیقات پلیسی مشخص شد که ۴ سارق حرفه‌ای با استفاده از یک خودروی سواری پژو پارس سرقتی در صحنه سرقت حاضر و با مشارکت یکدیگر سرقت‌های سریالی منازل را مرتکب شده‌اند. مخفیگاه اعضای این باند در تهران و کرج شناسایی شد و پس از هماهنگی با مقام قضایی هر ۴ متهم در مخفیگاه‌شان دستگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه سارقان مقادیر زیادی اموال مسروقه از قبیل: ساعت مچی مردانه و زنانه، البسه، کیف و کفش مردانه و زنانه، اسکوئر برقی، دوربین شکاری، دوربین عکاسی، دستگاه آلات موسیقی، تلفن همراه کشف و خودرویی که متهمان با آن به محل سرقت‌ها مراجعه می‌کردند، توقیف شد.

متهمان در تحقیقات پلیسی به ۹ فقره سرقت منزل اعتراف کردند. با اعتراف متهم و بازسازی صحنه‌های سرقت در حوالی خیابان‌های پیروزی، مسیل جاجرود، قیام، بلوار ابوذر و علامه، کلیه مالباختگان به این پایگاه دعوت شدند و اموال مکشوفه طی صورتجلسه‌ای به آنان تحویل شد. سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «کارشناسان ارزش ریالی اموال مسروقه را ۷۰ میلیارد ریال برآورد کردند. هر ۴ متهم پس از تحقیقات تکمیلی روانه دادسرا شدند.»

دستگیری قاتل ۸ عضو یک خانواده در زاهدان

متهم به خاطر اختلاف در معامله مواد مخدر دست به این جنایت‌های هولناک زده بود



صورت حرفه‌ای در امر قاچاق مواد مخدر فعالیت داشته است. او با کمک ۵ نفر از همدستانش مرتکب این جنایت شده بود.

او در ادامه و در توضیح بیشتر گفت: «در تحقیقات صورت گرفته متهم به جنایت اعتراف کرد. او گفت که چند روز قبل از جنایت با پدر و سرپرست مقتولان معامله مواد مخدر داشته است. پس از اینکه او خود را به دادگاه معرفی کرده و روانه زندان شده بود متهم به اتفاق

قاتل مسلحی که ۸ عضو یک خانواده را در شهر زاهدان به قتل رسانده بود با تلاش و اقدام به موقع کارآگاهان پلیس آگاهی شناسایی و به همراه ۵ همدستش دستگیر شد.

سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان در تشریح جزئیات این خبر گفت: «روز یازدهم خرداد سال جاری در پی قتل ۸ عضو یک خانواده شامل ۲ زن، ۳ پسر و ۳ دختر در یکی از محلات شهر زاهدان شناسایی و دستگیری عاملان جنایت به صورت ویژه در دستور کار تیمی از کارآگاهان زبده پلیس آگاهی استان قرار گرفت. بلافاصله کارآگاهان پلیس آگاهی با حضور در صحنه قتل، تحقیقات تخصصی خود را برای شناسایی قاتلان آغاز کردند. در بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته مشخص شد، از خانه مقتولان چند گوشی موبایل و تعدادی لوازم منزل نیز سرقت شده است.»

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان ادامه داد: «کارآگاهان پلیس